

سیاست‌گذاری فرهنگی و مدیریت شکاف نسلی در ایران

(صفحات ۱۱۳ تا ۱۴۱)

مرتضی مقتدائی^۱ * علیرضا ازغندی^۲ * ابوالقاسم طاهری^۳ * ملک یحیی صلاحی^۴

پذیرش: ۹۷/۰۳/۰۳

دریافت: ۹۷/۰۲/۱۳

چکیده

پس از جنگ جهانی دوم کشورهای در حال توسعه به شدت رشد کردند و تحولات اجتماعی مانند جنبش‌های اجتماعی را تجربه کردند. در پس این تحولات ساختاری عینی تحولاتی از نوع ذهنی در لایه‌های زیرین اجتماعی حاصل شد که تغییر موقعیت اجتماعی جوانان حاصل یک چنین تحولاتی بود. ایران نیز تحت تأثیر برخی از تحولات همچون افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی و جهانی شدن قرار گرفت که از جمله پیامدهای این تحولات مهم، شکاف بین نسل‌ها می‌باشد.

لذا توجه به مسئله شکاف بین نسل‌ها در ایران و نحوه سیاست‌گذاری برای مدیریت آن از درجه اهمیت بالائی برخوردار است. بنابراین با توجه به نظریه تئوری تناقض پرورش اجتماعی اولیه و

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گروه علوم سیاسی)، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات؛
Morteza_mog86@yahoo.com

۲. استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، (نویسنده مسئول)؛
Alirezaazghandi@yahoo.com

۳. استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات؛
A-taheri@srbiau.ac.ir

۴. استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات؛

ثانویه برگر و لاکمن ضمن بررسی علل شکاف بین نسل‌ها در ایران در چارچوب مدل سیاست‌گذاری چرخه‌ای جونز اقدام به ارائه راه حل شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که نحوه تعامل سه نهاد دین، دولت و خانواده تأثیر بسزائی در کاهش یا افزایش شکاف نسلی دارد همچنین گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت و انقلاب اطلاعات و ارتباطات نسل جدید را با دنیای جدیدی مواجه کرده و ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ او را دچار تغییر و تحول می‌نماید. نتیجه تحقیق بیانگر وجود شکاف نسلی در ایران و ضرورت توجه و سیاست‌گذاری در این زمینه می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری فرهنگی، بحران هویت، شکاف نسلی، گسست نسلی، انقطاع نسلی.

مقدمه

شرایط امروز جامعه ایرانی می‌تواند مصداقی از این گفته گرامشی باشد که قدیم در حال احتضار است، اما نمرده و جدید هم امکان تولد ندارد در چنین شرایطی بستر رویش بسیاری از جریانات فکری بی‌اصالت و ناهنجار فراهم می‌گردد که سرگشتگی گفتمانی و گم‌گشتگی هویتی از نتایج آن هستند. افزون بر این، بدلیل افول و فروپاشی منزلت گروه‌های مرجع سنتی در ذهن و روان نسل جدید، گروه‌های مرجع جدید و متنوعی پا به عرصه گذاشته و هر کدام با ارائه گفتمان خود تلاش می‌کنند این نسل نو را به سمت و سوی خود هدایت کنند لذا بسیاری از گروه‌های نسل جوان پیرامون گفتمان‌های گوناگون به طواف مشغول شده و موجب پیدایش هویت‌های مقاومت می‌شوند. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۵۵) با تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران بدلیل سیر در مسیر گذر از جامعه سنتی به مدرن و توسعه استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی نظیر ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی زمینه‌های مساعد برای تفاوت و به اعتقاد برخی تعارض در نظام ارزش‌های جوانان با بزرگسالان بوجود آمده است. در کنار تکنولوژی ارتباطی تحولات فنی و جمعیتی نیز طی قرن ۱۹ و ۲۰ دنیا را درنوردید از جمله تسریع در روند صنعتی شدن کشورها و به تبع آن گسترش هر چه بیشتر شهرها، افزایش مهاجرت روستاها به شهرها، انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی و جریان توسعه و نوسازی کشورهای جهان سوم آثار و پیامدهای خاص را در عرصه‌های مختلف داشته است. این عوامل در کنار عواملی دیگر مانند تفاوت در ارزش‌ها، انتظارات و زمینه‌های اولیه اجتماعی شدن والدین و فرزندان باعث گردید که نسل جوان حاضر، به پذیرش اقتدارگرایی گروه‌های اجتماعی و والدین و نیز ارزش‌ها، الگوها و قواعد رفتاری آنها نشود. حاصل این فرآیند باعث بوجود آمدن پدیده‌ای گشت که از آن به عنوان شکاف نسلی تعبیر می‌شود (احمدی و حامد، ۱۳۹۰: ۱۸۶) در واقع اگر گروه‌های مرجع نسل پیشین نهادهایی مانند خانواده و روحانیت بود گروه‌های مرجع نسل جدید اینترنت، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی می‌باشد.

البته وجود شکاف‌های مختلف در جوامع یک امر غیر عادی محسوب نمی‌شود مهم این است که چگونه از طریق راهبردها و سیاست‌گذاری‌های مناسب این شکاف‌ها و از هم گسیختگی‌ها را آشتی داد و مدیریت کرد.

لذا این تحقیق بنا دارد با بهره‌گیری از چارچوب نظری برگر و لاکمن^۱ به بررسی علل شکاف بین نسل‌ها در ایران عصر جمهوری اسلامی پرداخته و برخی از راهکارهای لازم برای مدیریت شکاف بین نسل‌ها را در چارچوب مدل مرحله‌ای چارلز جونز^۲ ارائه نماید. اهمیت و ضرورتی که ایجاب می‌کند این تحقیق صورت پذیرد دلایل شکاف بین نسل‌ها بعنوان یک مشکل و سپس ارائه راه حل برای مدیریت آن می‌باشد. چراکه اگر شکاف نسلی به خوبی مدیریت نشود و نهادهای سیاست‌گذار نتوانند با در نظر گرفتن واقعیت امور اقدام به ارائه راه‌حل نموده یا سیاست‌گذاری‌های موجود را به خوبی ارزیابی نمایند شکاف نسلی به گسست نسلی تبدیل می‌شود. عدم مدیریت شکاف بین نسل‌ها از یکسو زنگ خطر است برای فروپاشی نظام خانواده که در آئین اسلام و فرهنگ ایرانیان از جایگاه خاصی برخوردار است و از سوئی دیگر این شکاف همراه با شکاف‌های دیگر علاوه بر بحران هویت یکی از موانع اصلی توسعه سیاسی و اجتماعی ایران خواهد بود. با این توضیحات بررسی عوامل مؤثر بر شکاف نسلی و تدوین خط مشی‌های مناسب برای مدیریت شکاف نسلی در راستای کمک به نظام ایران در حل مشکلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از پدیده شکاف نسلی هدف تحقیق حاضر می‌باشد.

بنابراین سوالی که تحقیق حاضر در صدد پاسخگویی بدان است عبارت است از اینکه: «عوامل مؤثر بر شکاف نسلی در ایران امروز کدامند و برای مدیریت شکاف نسلی نیازمند چه سیاست‌گذاری‌هایی هستیم؟».

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. ادبیات تجربی

از جمله تحقیقات موجود در زمینه شکاف نسل‌ها عبارتند از:

1. Berger Luckmann
2. Charles Jones

تاجیک (۱۳۸۷) در کتاب شکاف نسلی در ایران امروز: تحلیل‌ها، تخمین‌ها و تدبیرها با تشریح شکاف‌های جامعه ایران معتقد است در جامعه در حال گذار ایران، عوامل بسیاری دست اندرکار ایجاد فاصله و گسست میان آحاد جامعه بطور کلی و میان نسل جدید و قدیم بطور خاص هستند. در این شرایط بایستی متصدیان امر اقدام به چاره‌اندیشی نمایند. برنامه‌ریزی کارآمد فرهنگی و مصونیت فرهنگی - ارزشی جامعه ایران از جمله راهکارهای ایشان می‌باشد.

آزادارمکی (۱۳۹۲) ضمن برشمردن عوامل اثرگذار بر شکاف نسلی، جوانان را بعنوان یک گروه اجتماعی جدید دانسته که به لحاظ نحوه گذراندن اوقات فراغت، دوست‌یابی، علایق و نیازها و توجه به زندگی خانوادگی با نسل‌های قبلی متفاوتند. ساروخانی (۱۳۹۱) معتقد است در نتیجه انقلاب در ارتباطات، ارزش‌ها هر روز، روز تازه‌ای دارند. شتاب حرکت در این جهت آن چنان است که انسان‌ها با هم سخن می‌گویند ولی سخن یکدیگر را نمی‌فهمند. هر جامعه‌ای باید به سیاست‌گذاری فرهنگی، ایجاد مکانیسم‌های دفاع فرهنگی و در یک کلام ایمن‌سازی جامعه در برابر آفات فرهنگی دست بزند.

فتحی و مطلق (۱۳۹۰) در تحقیقی جهانی شدن، گسترش شهرنشینی و تکنولوژی‌های جدید اطلاعات و ارتباطات را در رویارویی نسل جدید با دنیای جدید مهم دانسته و معتقدند که ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ او را دچار تغییر می‌نماید.

مدقق (۱۳۸۷) در کتاب پیامدهای گسست میان نسل‌ها، توسعه یافتگی و نوسازی را از فرآیندهای اجتناب‌ناپذیر و خواسته هر جامعه ترقی خواه می‌شمارد. به نظر وی توسعه یافتگی ضمن ایجاد تسهیلات، مسائل اجتماعی ویژه‌ای مانند شکاف بین نسل‌ها را نیز با خود همراه داشته است به نظر ایشان روش بهینه برای مدیریت این معضل‌ها، پرهیز از شتاب زدگی و برخورد‌های احساسی با آنهاست.

بافکار (۱۳۹۰) در کتاب پدیده فرزندسالاری و رسانه، فرزندسالاری را پدیده‌ای نوظهور می‌داند. پدر و مادر نمی‌توانند بپذیرند دیگر فرزندشان حاضر نیستند به ارزش‌ها و احساسات پاک آنها احترام بگذارد. نویسنده پیامدهای فرزند سالاری را در ابعاد فردی همچون ایجاد مشکلات اخلاقی - تربیتی، خانوادگی همچون تضییع حقوق والدین و اجتماعی همچون تهدید ارزش‌ها و سنت‌های جامعه برمی‌شمارد.

صالحی امیری (۱۳۹۴) در کتاب مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، مدیریت فرهنگ را یکی از نیازهای اساسی کشورها در وضعیت کنونی دانسته در عین حال می‌گوید امر سازماندهی فرهنگ و امور مرتبط با آن در مجموع آن‌گونه که باید با هدف یا اهداف مشخصی دنبال می‌شود، نشد. وی معتقد است که بخشی از عملکردها و فعالیت‌های فرهنگی و سازماندهی‌های انجام شده در این عرصه، از الگوی مشخص و از پیش اندیشیده شده‌ای برخوردار نبوده است.

ساروخانی و صداقتی فرد (۱۳۸۸) در مقاله «شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها» با بررسی پدیده شکاف نسلی اثبات می‌کنند که در سه حوزه ارزش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی فقط در برخی زمینه‌ها تفاوت آشکاری میان جوانان و بزرگسالان مشاهده نمی‌شود.

چلبی (۱۳۷۵) در کتاب جامعه‌نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی از تأثیر دوگانه رسانه‌ها صحبت نموده و معتقد است با گسترش ارتباطات از راه دور و از بین رفتن فواصل مکانی و زمانی غلظت نمادی و اطلاعاتی محیط‌های کنونی به طور غیر قابل وصفی افزایش یافته است. شهروندان جوامع معاصر نه تنها در معرض مستقیم سمبولیسم شناختی و سمبولیسم اظهاری بیگانه قرار گرفته‌اند بلکه در معرض بمباران نمادی آنها نیز هستند.

آقاجری (۱۳۸۲) در مقاله «انقطاع نسل‌ها - انسداد نسل‌ها»، فیرحی (۱۳۸۲) در مقاله «ملاک‌های سیلان یا انقطاع نسل‌ها»، قادری (۱۳۸۲) در مقاله «انقطاع نسل‌ها - انقلابی کامل» و سریع‌القلم (۱۳۸۲) در مقاله «ویژگی‌ها، افکار و پیامدهای ظهور نسل سوم نخبگان در ایران» معتقدند در ایران شکاف نسلی وجود دارد و به تدریج شدیدتر هم می‌شود. معتقدان به شکاف نسلی، مدرنیته و تحولات سریع اقتصادی، اجتماعی، فرایند جهانی شدن، تغییرات جمعیتی، تأثیر نخبگان و انقلاب اسلامی را از یک سو و عدم پاسخگویی مناسب نظام به این تحولات را از طرف دیگر، از جمله دلایل شکاف نسلی دانسته‌اند.

سگالین (۱۳۷۳) در کتاب جامعه‌شناسی تاریخی خانواده تأکید می‌کند که امروزه در کنار تفکیک جغرافیایی حوزه‌های کار و سکونت، ناپدید شدن پدیده همسایگی،

وجود مادران شاغل و متخصصان مسئول مراقبت از اطفال و تأثیر تلویزیون از جمله عواملی هستند که به ایجاد شکاف بین دنیای کودکان و بزرگسالان کمک می‌کند. یوسفی (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان «سبک‌های تربیتی و شکاف بین نسل‌ها» که در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ در شهر اصفهان انجام پذیرفته است معتقد به وجود شکاف در ارزش‌ها می‌باشد. این تحقیق در پی پاسخ به دو سؤال اصلی بوده است:

(۱) آیا ارزش‌های نسل پدران و فرزندان با هم متفاوت است؟

(۲) مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکاف ارزشی بین نسل‌ها چیست؟

نتایج تحقیق حاکی از وجود شکاف در ارزش‌های والدین و فرزندان بوده است. نتایج تحلیل رگرسیون نیز حاکی از آن است که تضاد هنجاری بین نسل‌ها، فردگرایی نسل فرزندان، حشو ارزش پدران، میزان گفتگوی والدین با فرزندان، فاصله سطح تحصیلات نسل‌ها و تعداد ساعات خارج از منزل بودن پدر مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکاف ارزشی بین نسل‌ها بوده‌اند.

شونفلونگ^۱ (۲۰۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی انتقال بین نسلی ارزش‌ها» معتقد است که فرایند انتقال فرهنگی در نسل‌های مختلف بصورت کامل نمی‌تواند ایجاد شود بلکه مابین انتقال کامل و ناقص قرار دارد. انتقال کامل اجازه نوآوری نمی‌دهد در صورت ناقص بودن فرایند نیز امکان اجازه کنش‌های هماهنگ با نسل را منتفی می‌کند. هرچه قدر جوانان تمایل به جمع‌گرایی داشته باشند به خواسته‌های خانوادگی بیشتر وفادارند و هرچه قدر فردگرا باشند سبب فاصله بین جوانان و بزرگسالان در خانواده می‌باشد.

تاجیک (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «رسانه و بحران در عصر فراواقعیت» با تأکید بر بحران هویت یکی از عوامل شکاف نسلی را نارسائی و امتداد در فرآیند انتقال ارزش‌ها و هنجارها به نسل جدید می‌داند. ایشان به نقل از پارسونز بیان می‌دارد در جامعه با مسأله‌ای بنام انتقال ارزش‌های اساسی به افراد روبرو هستیم و این ارزش‌ها هستند که کیفیت عمل افراد را معین کرده و در بقای نظم سهیم‌اند.

صبوری و توکلی‌نیا (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی تأثیر رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی»

1. Shonpflug

به نقل از کارل مانهایم اظهار می‌دارند که دورانی از تغییرات سریع فرهنگی علت اصلی پدیده شکاف نسلی است که در پی آن تغییرهای سنتی و میراث‌های فرهنگی برجای مانده از نسل‌های قبل، از سوی بخش مهمی از نسل‌های جدید به چالش کشیده می‌شود. پناهی (۱۳۸۶) در تحقیقی که با استفاده از داده‌های ثانویه صورت گرفته، به این نتیجه رسیده است که تحصیلات و در نتیجه نظام آموزش پائین و متوسطه یا عالی کشور برخی از شکاف‌های ارزشی را تا حدی افزایش داده است.

اینگلهارت^۱ (۱۹۹۴) نظریه دگرگونی ارزشی را مطرح کرده و با تحلیل داده‌های موجود از سال ۷۱-۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ در خصوص آلمان غربی، بریتانیا، هلند، فرانسه، بلژیک و ایتالیا و نیز با بررسی تمامی پژوهش‌های انجام شده در دانمارک و ایرلند طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۲ و ایالات متحده آمریکا، آشکار می‌سازد که در هفت کشور از هشت کشور جامعه اروپایی و نیز آمریکا گرایش به فرامادی گرایی وجود دارد و تنها داده‌های مربوط به بلژیک گرایش به ارزش‌های فرامادی را نشان نمی‌دهد.

در نقد و ارزیابی ادبیات تجربی باید خاطر نشان کرد، در یک نگاه کلی از یک سو دغدغه مشترک اکثر تحقیقات فوق‌الذکر وجود شکاف بین ارزش‌ها، تهدید ارزش‌ها و سنت‌های جامعه می‌باشد و از سوی دیگر ضرورت توجه به پدیده شکاف نسلی، ضرورت مدیریت، پرهیز از شتابزدگی، ضرورت سیاست‌گذاری برای مدیریت شکاف بین نسل‌ها. آنچه که تحقیق حاضر را از دیگر تحقیقات متمایز می‌کند اولاً، توجه به مشکل شکاف نسلی و ارائه راه حل در قالب مدل‌های سیاست‌گذاری عمومی می‌باشد، ثانیاً برخلاف بسیاری از تحقیقات که از یک زاویه به موضوع نگریسته‌اند این تحقیق سعی کرده ابعاد بیشتری را مورد مطالعه قرار دهد، ثالثاً موضوع تحقیق یک موضوع جدیدی تلقی می‌شود و نهایت اینکه اکثر تحقیقاتی که در خصوص سیاست‌گذاری برای شکاف نسل‌ها بوده بیشتر پژوهشگران بجای سیاست‌گذاری، هدف‌گذاری نموده‌اند در حالی که در این تحقیق سعی بر آن است که تا حد مقدور از هدف‌گذاری فاصله گرفته شود. چرا که هدف‌گذاری می‌تواند مبنای برداشت‌های متفاوت و تفاسیر متضاد مدیران اجرایی قرار گیرد.

1. Ronald Inglehart

۲-۱. ادبیات نظری

۱-۲-۱. رهیافت نظری

کارل مانهایم^۱ دورانی از تغییرات سریع فرهنگی را علت اصلی پدیده شکاف نسلی می‌داند که در پی آن تغییرهای سنتی و میراث‌های فرهنگی برجای مانده از نسل‌های قبل، از سوی بخش مهمی از نسل‌های جدید به چالش کشیده می‌شود. البته به نظر مانهایم، بنیان اصلی این تحول فرهنگی افرادی انگشت شمار از نسل پیشین بنام طلابه‌داران هستند. (صبوری خسروشاهی و توکلی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۱۳)

پیر بوردیو^۲ روابط نسلی و تضاد میان نسل‌های مختلف در عرصه‌های اجتماعی نظیر دانشگاه، سیاست، ادبیات هنر و غیره را پیگیری و تحلیل نموده است. به اعتقاد وی در شرایط معاصر شکاف نسل‌ها، شکاف افقی بوده و در میادین مختلف اجتماعی اعم از نهادی و غیرنهادی، رویارویی بین جوانان و افراد مسن عملاً حاکی از تعارض بین افرادی با مواضع گوناگون قدرت و ثروت است به نظر بوردیو جوان و پیر نه یک امر عینی و واقعی بلکه یک ساختار اجتماعی هستند که در نتیجه مبارزه میان پیر و جوان در میادین مختلف اجتماعی به وجود می‌آید. (توکلی و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۶)

پیتر برگر و توماس لاکمن تئوری تناقض پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه را عنوان می‌کنند مطابق نظریه برگر و لاکمن پرورش اجتماعی اولیه نخستین مرحله اجتماعی شدن فرد است و در کودکی صورت می‌پذیرد و فرد از آن طریق به عضوی از اعضای جامعه تبدیل می‌شود. هر فرد در ساختار اجتماعی عینی‌ای زاده می‌شود که در درون آن با اشخاص مهم و صاحب نفوذی که مسئولیت پرورش او را بر عهده دارند رویارو قرار می‌گیرد. این افراد مهم بر افراد تحمیل می‌شوند (برگر و لاکمن، ۱۳۸۷: ۱۸۰). جامعه‌پذیری اولیه زمانی به پایان می‌رسد که مفهوم دیگران تعمیم یافته در آگاهی فرد استقرار یافته باشد فرد در این مرحله یکی از اعضای اثر بخش جامعه به شمار می‌رود. جامعه‌پذیری اولیه هرگز کامل نیست بلکه تداوم این امر، با پرورش اجتماعی ثانویه ملازم است (برگر و لاکمن، ۱۳۸۷: ۱۸۸) پرورش اجتماعی ثانویه عبارت است از درونی‌سازی خرده جهان‌های

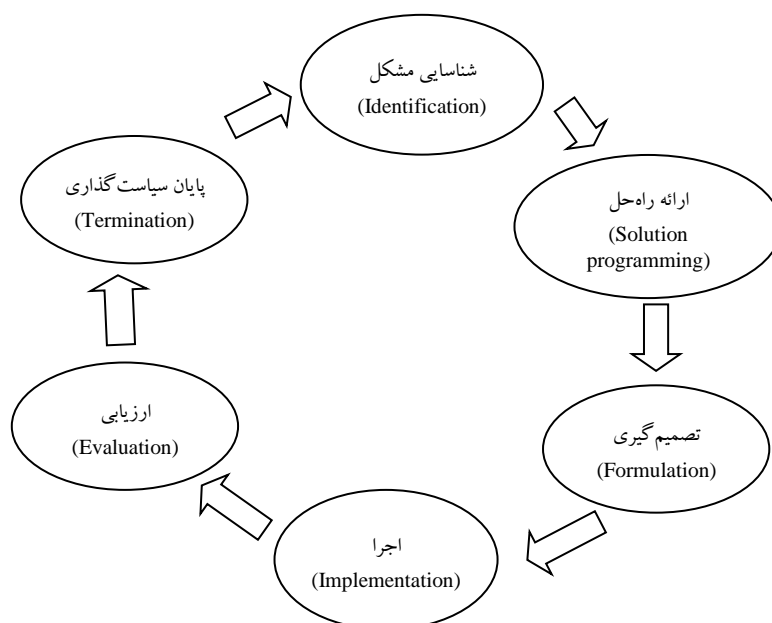
1. Karl Mannheim
2. Pierre Bourdieu

نهادی یا مبتنی بر نهادها، لذا گستره و سرشت آن برحسب پیچیدگی تقسیم کار و توزیع اجتماعی دانش تعیین می‌شود (برگر و لاکمن، ۱۳۸۷: ۱۸۹-۱۸۸). به عقیده برگر و لاکمن اجتماعی شدن ممکن است موفق و ممکن است ناموفق باشد. اجتماعی شدن موفق زمانی است که بتوان پیوندی اصولی و ریشه‌دار بین واقعیت درونی و عینی برقرار نمود و موارد ناموفق می‌تواند در نتیجه ناهماهنگی یا عدم تجانس سلیقه‌ها در اجتماعی کردن فرد باشد تضادهای موجود میان اجتماعی شدن اولیه و ثانویه می‌تواند به اجتماعی شدن ناموفق منجر گردد.

با توجه به نظریات فوق‌الذکر رهیافت نظری مورد نظر در این پژوهش برای تحلیل علل بروز شکاف نسلی‌ها نظریه تئوری تناقض پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه پیتز برگر و توماس لاکمن می‌باشد. نظریه برگر و لاکمن در مقایسه با دیگر نظریات مطرح شده با تحقیق حاضر بیشترین همخوانی را دارد چرا که ایران یک کشور در حال گذار و در حال توسعه می‌باشد و جهانی شدن و انقلاب ارتباطات و اطلاعات سریع تر در ایران قابل محسوس است لذا شکاف نسلی در ایران و بطور کل در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته می‌باشد چرا که تأثیرگذاری نهادهای جامعه‌پذیری اولیه مانند خانواده کمتر شده و در مقابل تأثیرگذاری نهادهای جامعه‌پذیری ثانویه مانند رسانه‌ها، شبکه‌های مجازی و اجتماعی، مدرسه و غیره بیشتر می‌شود و عبارتی تأثیرگذاری نهادهای جامعه‌پذیر ثانویه سریع‌تر و گسترده‌تر از تأثیرگذاری نهادهای جامعه‌پذیر اولیه است و همین مسأله باعث اجتماعی شدن ناموفق و سپس شکاف بین نسل‌ها می‌گردد.

لذا مطابق این نظریه جامعه با کثرت نهادهای جامعه‌پذیر کننده مواجه می‌باشد که هر یک ارزش‌ها، هنجارها و سبک زندگی خاصی را اشاعه می‌دهند. والدین، مدرسه و دانشگاه، رادیو تلویزیون، سینما، ماهواره، نشریات و اینترنت نهادهایی هستند که کارکرد جامعه‌پذیری را به صورت گوناگونی انجام می‌دهند، بنابراین چنین جامعه‌ای با کثرت ارزشی و گروه‌های متعددی مواجه می‌گردد که در هر یک از این گروه‌ها یک ارزش خاصی حاکم است که در گروه دیگر ممکن است ارزش نباشد. لذا یک تناقض آشکار در زمینه افکار، ارزش‌ها و عقاید حاکم بر جامعه حاصل می‌شود شکاف نسلی محصول تناقض پرورش اولیه و ثانویه می‌باشد.

مدل مورد استفاده برای ارائه راه حل در این تحقیق مدل مرحله‌ای جونز می‌باشد. مطابق این مدل شکاف بین نسل‌ها در ایران بعنوان یک مشکل بوده که بایستی در دستور کار دولت قرار گیرد و ارائه راه حل جهت انتخاب راه حل رضایتبخش و تصمیم‌گیری از بین راه‌های ارائه شده بعنوان مرحله دوم مدل می‌باشد.



نمودار ۱. چرخه سیاست‌گذاری عمومی چارلز جونز

۱-۲-۲. نسل^۱ و شکاف نسلی^۲

نسل یعنی گروهی که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند. در یک زمان بالنسبه نزدیک به هم به دنیا آمده یا ازدواج کرده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۰۷). ترول پنج مفهوم متفاوت از نسل را بیان می‌کند که کنترل آن را به چهار طبقه تقسیم می‌کند:

۱. نسل بعنوان یک اصل از تبار خویشاوندی (نسبت خویشاوندی).

1. Generation
2. Generation Gap

۲. نسل همچون هم‌گروهی.

۳. نسل همچون مرحله زندگی.

۴. نسل بعنوان دوره تاریخی. (kertzner, 1983: 125)

نسل به عنوان یک واقعیت به بازتشفیح تجربه افرادی که در فضای تاریخی و فرهنگی مشترک متولد شده‌اند بستگی دارد (Diepstrutan & Ester, 1993). مانهایم بیشتر به تجربه نسلی تکیه می‌کند و معتقد است که هر نسلی دارای تجربیات متفاوت از نسل قبل از خود می‌باشد که هر چند در طبقات مختلف هستند و آگاهی‌های مختلفی دارند ولی رویکرد و موضع‌گیری مشترکی دارند که از تجربه مشترک آن نسل حاصل می‌گردد (مانهایم، ۱۳۸۰: ۷۹).
مسئله شکاف نسلی هم یکی از موضوعات اساسی در جامعه‌شناسی مدرن محسوب می‌شود. علیرغم این، مطالعه کاملی در این زمینه صورت نپذیرفته و هنوز ماهیت و وسعت آن بین گروه‌های سنی به خوبی روشن نشده است. حتی بطور عمده تلاش‌های تجربی برای تجزیه و تحلیل آثار آن بر ساختارهای اجتماعی به مرحله انجام نرسیده است (Bengston, 1970:7).

بطور کلی در دوره جدید و ظهور مدرنیسم، عرصه فکر و کنش انسان‌ها بسیار تغییر کرده و مدرنیسم توانسته است سیطره همه جانبه‌ای بر زندگی انسان‌ها پیدا کند. این تحولات به حدی فراگیر و ناگهانی بوده که به فاصله عمیق میان نسل‌های جدید و گذشته منجر گشته است (ناظری، ۱۳۸۷). بنابراین: «دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر از حیث جغرافیائی، عاطفی - فکری و ارزشی وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند» که بدان شکاف نسلی می‌گویند (چیت ساز قمی ۱۳۸۶ به نقل از اسپاک، ۲۵۹).

۱-۲-۳. سیاست‌گذاری عمومی و فرهنگی

چارلز ا. جونز^۱ معتقد است که اصطلاح سیاست‌گذاری عمومی اصطلاحی چند وجهی بوده و در عرصه‌های بسیار متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره مورد توجه قرار گرفته است (مولر، ۱۳۷۸: ۲۹). سیاست‌گذاری عمومی عنصر اساسی در دموکراسی‌های

1. Charles O Jones

مدرن محسوب می‌گردد. مشخصه کلی سیاست‌گذاری عمومی راهنما جهت اقدام چارچوبی مشخص برای حل جزئیات یک مسأله می‌باشد (pal, 2004). برخی دیگر اندیشمندان معتقدند که سیاست‌های عمومی عبارت است از همه واکنش‌های متصل به هم که بخشی از کل سازمان را شکل می‌دهند، در راستای اجرای سیاست‌هایی که باید انجام پذیرد آنطوریکه سیستم هدایت می‌کند (Colebath, 1998: 216). بیشتر موضوعاتی که در سیاست‌گذاری عمومی مطرح می‌گردد در واقع به مؤلفه‌های مهمی مانند ارزش‌های اساسی جامعه، منافع و هزینه‌های بزرگ مالی و اقتصادی گرایش دارند. لذا تصمیم‌گیری در باب سیاست‌گذاری فرآیندی بسیار پیچیده می‌باشد (mackay, 1980).

سیاست‌گذاری فرهنگی نیز عبارت است از تعیین خط و مشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی یعنی همکاری‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی، میراث فرهنگی و هویت فرهنگی (همايون و جعفری، ۱۳۸۷: ۱۵) همچنین سیاست‌گذاری فرهنگی به اراده دولت در ایجاد یا تحکیم و یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه فرهنگ معطوف است که چنین اراده‌ای می‌تواند سلبی یا ایجاد باشد (وحید، ۱۳۸۶: ۲۸۸).

۱-۲-۴. پیشینه سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران

در ایران براساس قانون اساسی و برنامه‌های توسعه اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم وظایف گوناگونی بر عهده حاکمیت نهاده شده تا در حوزه فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی ورود داشته باشد. همچنین سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۷۱ تهیه و در ۱۳۷۱/۵/۲۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید.

به لحاظ تاریخی مداخله دولت در فرهنگ از دوره ناصرالدین شاه و اصلاحات دوره ناصری آغاز می‌شود، زمانی که بلدیة ساخته می‌شود و دولت وظیفه پیدا می‌کند که به نحوه حضور مردم در خیابان‌ها و کوچه‌ها نظارت داشته باشد. تولد کودک سیاست‌گذاری فرهنگی ایران در دوره رضا شاه است که وی دخالت دولت در عرصه فرهنگ را در یک جهش حداکثری به اوج می‌رساند. در این دوره مفاهیم کلیدی سیاست‌گذاری فرهنگی شکل گرفت از جمله این مفاهیم عبارت بودند از اینکه: «دولت می‌تواند فرهنگ را بسازد»

در دوره پهلوی دوم در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی اولین متن سیاست فرهنگی ایران توسط شورای عالی فرهنگ و هنر تهیه و پس از بحث و بررسی کارشناسان و صاحب‌نظران در سال بعد به تصویب محمدرضا شاه رسید و ملاک تصمیم‌گیری‌ها در تمام عرصه‌های فرهنگی گشت (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱).

۱-۲-۵. متغیرهای سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

بادقت نظر در اندیشه‌های امام خمینی، اولین متغیر استراتژیک فرهنگی متغیر معنویت می‌باشد. بر این اساس معیار و ارزیابی فرهنگ با مفاهیم اساسی معنویتی شکل می‌گیرد و روح معنویت توحیدی بر انسان، جامعه و نظام سیاسی حاکم است و نظام سیاسی و سیاست فرهنگی و قواعد کلی حاکم بر آن کاملاً به عالم معنا و توحید وابسته‌اند. (اشتریان ۱۳۸۹: ۱۱-۹). متغیر دوم عرف می‌باشد. سیاست‌گذاران فرهنگی در حوزه عمل با عرف یا فرهنگ عرفی مواجهند چرا که در کنار نهادهایی مانند نهادهای آموزشی و تربیتی که متولی رسمی گسترش و اشاعه فرهنگ هستند، فرهنگ عرفی وجود دارد که خاستگاه آن غیر از مراکز رسمی است و خصلتی شفاهی و سینه به سینه دارد و متولی آن کسی نیست جز توده‌های مردم (اشتریان، ۱۳۸۹، ۸۶-۸۱) متغیر بعدی کارآمدی است. موفقیت و کارآمدی حکومت، متغیر اساسی در شکل‌گیری فرهنگ مردمی به شمار می‌آید. این پدیده محبوبیت و منزلت حکومت دینی، فرهنگ مذهبی و روحانیت را به کارآمدی او در امور اجرایی پیوند می‌زند (اشتریان ۱۳۸۹: ۱۳۰-۱۲۸). متغیر بعدی عدالت است که بر فرهنگ یک جامعه تأثیرگذار است و متغیر بعدی ثروت. ثروت و ثروتمندی یک جامعه بصورتی کلی انسان را از غم نان، دغدغه فقر و تهیه مقدمات اولیه زندگی رها می‌کند و فرصت اندیشیدن، فراغت متعالی و مجال فرهنگ را فراهم می‌سازد (اشتریان، ۱۳۸۹: ۱۴۹-۱۴۷).

۱-۲-۶. گفتمان‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

در یک طبقه‌بندی کلی سیاست‌ها فرهنگی کشور در سه گفتمان طبقه‌بندی می‌شود:

۱. گفتمان آموزش محور: دو مسئله مهم باعث گردید آموزش بعنوان اصلی‌ترین وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد: اول وضعیت نابسامان دانشگاه‌ها در

اوایل انقلاب و دوم اعتقاد به نقش مهم و اثرگذار آموزش در فرهنگ و اعتلای فرهنگی و نیاز به اسلامی کردن محتوای آموزشی. لذا چون آحاد مردم از حکومت دفاع می‌کردند و عوامل تهدید کننده خارجی بر فرهنگ عمومی مردم کم رنگ بود دغدغه اصلی مسئولین کشور برای ارتقای فرهنگی از طریق بسط و گسترش آموزش بود و دانشگاه‌ها و مدارس بعنوان سازمان متولی شناخته می‌شدند (کاوند، ۱۳۸۷).

۲. گفتمان مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی: در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۲۰ وظایف جدید و اهداف شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. در این دوران مردم ایران با پدیده‌های جدید مانند ماهواره، رایانه و فضای دیجیتال آشنا شده و موج جهانی شدن و کم رنگ شدن مرزهای سیاسی و فرهنگی، دولت را با چالش جدیدی روبرو می‌کند. اولین بار از واژه تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی استفاده شد که دین، افکار اسلامی و سبک زندگی مردم را مورد هدف قرار داده است. برای مقابله با تهاجم فرهنگی در سال ۱۳۷۸ سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و مؤلفه‌های زیادی مانند سبک زندگی، آداب و رسوم و اقشار اجتماعی وارد تلقی شورای عالی انقلاب فرهنگی از فرهنگ شد (کاوند، ۱۳۸۷).

۳. گفتمان مهندسی فرهنگ: در آخرین تحولات شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۸ رهبر انقلاب مبنایی را برای فعالیت شورا عنوان کرد: «یکی از مهمترین تکالیف ما در درجه اول مهندسی فرهنگی کشور است. یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون‌زا و ضرورت بخش و کیفیت بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسان‌ها و جامعه بوجود می‌آید چگونه باید باشد، اشکالات و نواقص‌اش چیست؟ و چگونه باید رفع گردد؟ کندی‌ها و معارضانش کجاست؟ مجموعه‌هایی لازم است اینها را تصویر کنند و بعد همچو دست محافظی، هوای این فرهنگ را داشته باشند. نمی‌گوییم بطور کامل کنترل کند چون کنترل فرهنگ بطور کامل نه ممکن است نه جایز، اصلاً رشد فرهنگی با آزادی و میدان دادن به اراده‌هاست، در

این تردیدی نیست منتها هوای کار را باید داشت» (نشریه مهندسی فرهنگی، ۱۳۸۵). با این سخنرانی شورای عالی انقلاب فرهنگی وارد مرحله مهندسی فرهنگی شد. ایده مهندسی فرهنگی بر این امر استوار است که نظام فرهنگ همچون هر نظام دیگری یک نظام درونداد-برونداد با مکانیسم‌ها و فرآیندهای مشخص است که می‌توان آن را مدیریت کرد. (کوثری، ۱۳۸۷: ۷۸-۷۷). در واقع مهندسی فرهنگی با تلاش در جهت تدوین برنامه‌های فرهنگی آینده و اجرای نقشه‌های جدید تغییراتی را در نظام‌های موجود فرهنگ‌ساز جامعه ایجاد نموده، تغییرات و تحولات جامعه را هدایت کرده و بدانها معنا می‌بخشد (ودادی و عباسعلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۸)

۲. روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد و ابزار و روش جمع‌آوری داده‌ها بر مبنای روش کتابخانه‌ای است. در روش کتابخانه‌ای بیشتر بررسی اسناد و مدارک، مراجعه به کتب داخلی و خارجی مربوطه، نشریات و مطبوعات، مقالات و مجلات و سایت‌های اینترنتی مورد تأکید است. پس از گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل آنها از طریق توصیف و مبتنی بر منطق، استدلال و تفکر صورت گرفته است.

۳. علل شکاف نسلی در ایران

از جمله دلایل عمده شکاف نسلی در ایران عبارتند از:

۱- نحوه تعامل سه نهاد دین، دولت و خانواده

در جامعه ایرانی سه نهاد اجتماعی خانواده، دین و دولت ساختار دهنده نظام اجتماعی جامعه ایرانی‌اند. در یک نگاه کلی رابطه نهادهای اجتماعی سه گانه به لحاظ مفهومی و تجربی قابل مقایسه با یکدیگر است. این نهادها می‌توانند به لحاظ مفهومی سه وضعیت یا رابطه با یکدیگر داشته باشند: تابعی، تزاومی و تعاملی. هر یک نسبت به دو نهاد دیگر می‌تواند مقدم باشد.

۱) خانواده و دین تابع دولت

۲) دولت و دین تابع خانواده

۳) خانواده و دولت تابع دین.

صورت دیگر رابطه تزاخمی است بطوری که نهادهای اشاره شده به لحاظ زمینه‌ها، ساختار و کارکرد در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند و منشأ حوادث کلان ساختاری می‌شوند که اصلی‌ترین نتیجه تزاخم نهادی به هم ریختگی ساختاری است.

صورت سوم حالت تعاملی است که یک وضعیت آرمانی محسوب می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۵۳-۴۹). در حالت رابطه تزاخمی یا رابطه تابعی چنانچه یکی از نهادهای مذکور مثلاً نهاد دولت در کارکرد دو نهاد دیگر خللی وارد نماید باعث ایجاد مشکلات در جامعه خواهد بود که شکاف بین نسل‌ها از آثار چنین رابطه‌ای می‌تواند باشد.

به عنوان مثال یکی از وظایف خانواده‌ها جامعه‌پذیری اولیه می‌باشد در کنار امر جامعه‌پذیری خانواده‌ها متأسفانه در ایران خانواده وضعیت آشفته‌ای دارد و کارکردهای آن بدلیل دخالت نهادهای بیرونی و بطور خاص سیاست‌گذاران بخش عمومی به شدت تضعیف شده است که تداوم وضعیت کنونی یا دخالت نهادهای بخش عمومی و گسترش روندهای مدیریت خانواده از بیرون ممکن است خانواده را وارد مرحله بحرانی نماید لذا فرآیندهای بازتولید فرهنگی، پیوستگی اجتماعی و جامعه‌پذیری در خانواده باید در وهله اول از فضای هنجاری نهاد خانواده سرچشمه بگیرد (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۱۸۵-۱۸۴). آقاجری در مقاله انقطاع نسل‌ها- انسدادنسل‌ها بیان می‌دارد فرآیند هویت‌یابی در انسان از خانواده شروع می‌شود و نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه‌پذیری نیز کارکرد خود را دارند. این فرآیند از سطح خانواده شروع و تا سطح محل، شهر، منطقه و هویت ملی تداوم می‌یابد. نهادهای ملی باید نقش هویت‌سازی و جامعه‌پذیری ملی خود را برای هویت‌یابی فرد و بخصوص نوجوان و جوان ایفا نمایند اما این نهادها در ایران ناکارآمد هستند. لذا هویت ملی بین هویت فردی و هویت جهانی گرفتار می‌شود. نسل کنونی قبل از آنکه بتواند فرآیند هویت‌یابی ملی را تجربه کند در معرض الگوها، هنجارها، اندیشه، زبان و عالمی قرار می‌گیرد که هویت جهانی منتشر می‌کند لذا بین نسل قبل و بعد شکاف ایجاد می‌شود که در جامعه ما این روند رو به رشد است (آقاجری، ۱۳۸۲: ۱۵۷-۱۵۵).

۲- **افزایش جمعیت:** از دلایل دیگر شکاف نسل‌ها، پدیده افزایش جمعیت است. عموماً در کشورهای در حال توسعه و در حال رشد نسبت جمعیت جوان بیشتر از جمعیت میانسال و کهنسال است، این عدم تعادل میان نسبت‌های مختلف سنی خود عاملی است برای شکاف نسلی (ناظری، ۱۳۸۷).

انقلاب اسلامی تأثیرات مهمی بر ساختار جمعیتی بر جای گذاشت و در نتیجه زمینه‌های لازم را برای فعال شدن شکاف سنی و نسلی فراهم ساخت. پس از پیروزی انقلاب، ایران بیشترین نرخ رشد جمعیت در طول تاریخ خود را شاهد بود به گونه‌ای که در سال ۱۳۶۵ نرخ رشد جمعیت به ۳/۹۱ درصد رسید.^۱ در واقع شرایط نابسامان اقتصادی پس از انقلاب و خصوصاً شرایط حاکم بر فضای کشور پس از شروع جنگ تحمیلی به ناچار کشور را به سمت و سوی جیره‌بندی کالاهای یارانه‌ای کشاند. نظام جیره‌بندی «کالا برگی» مبتنی بر تعداد عائله خانوارها بود لذا همین امر انگیزه فرزند آوری در بین طبقات متوسط و فقیر جامعه را افزایش داد. از سوی دیگر در نظام توزیع کالاها و خدمات و برخی تسهیلات زیربنایی تعداد فرزند بعنوان امتیاز قلمداد می‌گشت. مثلاً در زمینه ارائه زمین و یا خانه سازمانی و وسایل خانگی هر فرزند امتیاز معینی را داشت. مجموعه این شرایط زمینه افزایش جمعیت کشور و خصوصاً جمعیت شهرنشین کشور را فراهم ساخت و سیاست واگذاری زمین شهری به کارکنان دولت از جمله مشوق‌های حضور و تراکم جمعیت در مناطق شهری محسوب می‌گشت. در کنار عوامل فوق کاهش نرخ اشتغال زنان از ۱۳/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ می‌تواند یکی از زمینه‌های افزایش باروری در طی سال‌های پس از انقلاب قلمداد گردد. کاهش نرخ اشتغال مردان در سال ۱۳۴۰ نسبت به سال ۱۳۵۵، ۷/۵ درصد بوده است ولی در مورد زنان این کاهش ۴۳/۵ درصد بوده است. بین اشتغال زنان و کاهش تعداد فرزندان رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد و در ده ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ کاهش فعالیت زنان در امور اقتصادی و اجتماعی توأم با افزایش جمعیت بوده است (ایران محبوب و میرفردی، ۱۳۸۲: ۱۱۷-۱۱۶).

وقتی جمعیت فعال کشور با شتاب زیادی تغییر می‌کند، خود به خود این تغییر، تأثیر خود را بر گفتمان‌های موجود در جامعه می‌گذارد. وقتی چنین تکانه‌هایی در

۱. سالنامه آمار ایران، ۱۳۷۸

جامعه رخ داده طبیعی است نظام هنجاری و ارزشی او نیز دچار دگرگونی و تفاوت گردد. (خانیکی، ۱۳۸۰). وقتی یکباره جمعیت کشوری افزایش یافت و افراد با سنین پایین اکثریت جامعه را تشکیل دادند، در واقع یک نسل جدید به منصفه ظهور رسیده و در واقع انقلاب جمعیتی به مفهوم واقعی رخ می‌دهد که از جمله آثار این انقلاب جمعیتی شکاف بین نسل‌ها است. رشد دفعی یک نسل اجازه نمی‌دهد تا در یک فرآیند آرام و طبیعی ارزش‌های گذشته با نسل جدید پیوندی منطقی و مستدل ایجاد کند. در واقع تاریخ گذشته به ناگهان برای نسل غالب چیزی غریب و نامأنوس به حساب می‌آید (ریعی، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

تحولات کیفی جمعیت نیز مسأله مهم می‌باشد. بدلیل رشد سواد و آموزش‌های عالی و شهرنشینی در کشور بخش مهمی از جامعه با فرا رفتن از ظاهرگرایی دینی بر ارزش‌های عمیق‌تر، عقلانی‌تر و انسانی‌تر از دین بعنوان شاخص‌های دینی و دین‌داری تأکید می‌کنند (فوزی، ۱۳۹۳: ۱۸۹).

۳- **جهانی شدن و انقلاب ارتباطات و اطلاعات:** در عصر جهانی شدن تسلط صنایع رسانه‌های توده‌گیر جهانی بر اشکال محلی سنتی تولید و انتشار فرهنگ‌ها، دلیلی بر تضعیف قابلیت دولت‌ها در تنظیم سیاست فرهنگی ملی است. اندیشه‌ها بطور مستقیم و غیرمستقیم وارد مرزهای دولت-ملت گردیده و کنترل فرهنگی را برای دولت دشوار می‌کنند (صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۸۶-۸۴) انقلاب ارتباطات و اطلاعات تأثیر بسزائی بر مراجع هویت ساز داشته است. بوجود آمدن منابع جدید هویت ساز با تأثیرگذاری بر هویت اجتماعی، آن را هر چه بیشتر به سوی فردی شدن سوق می‌دهد. (نورائی، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۴۵) اما جهانی شدن و انقلاب ارتباطات و اطلاعات چه تأثیری بر شکاف بین نسل‌ها داشته است؟ جهان امروز جهان ارتباطات است، تحول تاریخی جوامع در این جهت نه پیوسته که گسسته و جهشی است. فرزندان به شیوه‌ای کاملاً متفاوت و متمایز جامعه پذیر می‌شوند. جهان کودک امروز ورای مرزهای ملی تعریف می‌شود. او با وفور بی‌سابقه اطلاعات مواجه است. او در کلاس بی‌دیوار شرکت می‌کند که همکلاسی ایشان در تمام کره زمین پراکنده‌اند. در یک چنین جهانی، ارزش‌ها نیز هر روز، روز تازه‌ای دارند (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۱۰-۹). رسانه‌های گروهی زمینه

رشد آگاهی و شناخت اجتماعات بشری را مهیا ساخته و سبب ایجاد شکاف‌های جدید اطلاعاتی و تعمیق آنها گشته است (فرهنگی و کیانا، ۱۳۹۱: ۱۵۱). در واقع همانطوری که «تیکنور»، «دونوهو» و «اولین» عنوان می‌کنند در واقع با یک شکاف آگاهی روبرو می‌شویم (محمدپور و آزادی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

انقلاب ارتباطات و اطلاعات علاوه بر اینکه باعث تغییرات گسترده و سریع در نهادهای اجتماعی ایران امروز و بروز جابجایی‌های معناداری در گروه‌های مرجع گشته است وضعیتی کم نظیر را نیز بوجود آورده است. تغییرخواهی، نوجویی، تنوع طلبی و گاهاً دگرخواهی در میان نهادها و اقشار اجتماعی از آثار چنین فرآیندی است (ریعی، ۱۳۸۶: ۶۱).

جهانی شدن موجب خروج انحصار جامعه‌پذیری از دست نهادهای بومی شده، تربیت افراد را تحت تأثیر مراکز و نهادهایی خارج از نفوذ و کنترل مرزهای ملی - عقیدتی قرار داده است. فرهنگ جهانی در سایه انقلاب اطلاعات و ارتباطات با ایجاد اختلال در امر جامعه‌پذیری فرزندان شکل‌گیری شخصیت‌هایی را نتیجه می‌دهد که مقبول و مورد درخواست جامعه نیست (سام دلیری، ۱۳۸۹: ۸۸).

استدلال اصلی مانوئل کاستلز آن است که همه جهان جدید بصورت یک شبکه در آمده است. در درون شبکه به استثنای یک گروه از نخبگان جهان وطن، دیگران کنترل خود را بر زندگی خویش و محیط اطراف از دست داده‌اند یا به سرعت در حال از دست دادن می‌باشند. ویژگی تاریخی سیستم ارتباطی جدید، القای واقعیت مجازی نیست بلکه ایجاد مجاز واقعی است. سیستمی که در آن خود واقعیت در متنی از تصاویر مجازی به تجربه تبدیل می‌شوند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۳۱).

۴. راهکارهای مدیریت شکاف بین نسل‌ها

همانطوری که در مقدمه مقاله مطرح گردید عواملی مانند نحوه تعامل سه نهاد دین، دولت و خانواده، انقلاب ارتباطات و اطلاعات و متعاقب آن اقبال گسترده نسل جوان به استفاده وسیع از ابزارهای نوین ارتباطی، گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت سبب اختلاف در ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای نسل جوان با نسل‌های دیگر شده است که از آن به شکاف نسلی تعبیر شد. توجه به شکاف نسلی و مدیریت آن از درجه اهمیت

فراوانی برخوردار است بر این اساس بررسی علل شکاف نسلیها و ارائه راه حل هدف تحقیق بود و سوالی که در این تحقیق مطرح شد اینکه، علل شکاف نسلی در ایران کدامند و برای مدیریت آن نیازمند چه سیاست‌گذاری‌هایی هستیم؟ در پاسخ به بخش دوم پرسش به چند راهکارها و پیشنهاد اشاره می‌گردد.

در حوزه مربوط به سه نهاد دین، دولت و خانواده باید اموری مد نظر باشد از

جمله:

۱. دولت نایستی زیست جهان خانواده را تحت سلطه خود درآورد بلکه بایستی بین سه نهاد مزبور رابطه تعاملی باشد. در رابطه تعاملی خانواده بهتر می‌تواند نقش جامعه‌پذیری خود را ایفا نماید در این حالت برای نسل جوان یک فرصت کافی بوجود خواهد آمد تا در یک سیر منطقی و بطور آگاهانه وارد فضای ارزشی و هنجارهای مورد انتظار گردد.

۲. ایجاد فرصت برای طرح گفتمان‌های دیگر: در کشور با تأکید بیش از اندازه‌ای که برخی از نهادهای حاکمیتی و دیگر نهادهای رسمی روی یک الگوی خاص از خانواده و زندگی داشته‌اند، عملاً فضا برای طرح گفتمان مقابل هرگز فراهم نبوده است مانند: شکل زندگی اجتماعی، سبک زندگی، فردگرایی، هدف ازدواج و غیره. باید فرصت ظهور و بروز گفتمان‌های دیگر را نیز داد.

۳. برگزاری برنامه‌های آموزشی در قالب سمینارها، مناظره‌ها، همایش‌ها و کنفرانس‌ها در مراکزی مانند مساجد محلات، مدارس و دانشگاه‌ها در خصوص موضوعاتی همچون چگونگی بهبود روابط متقابل والدین و فرزندان، تبیین اهمیت نهاد خانواده از دیدگاه فرهنگ ایرانی-اسلامی و غیره

در حوزه مربوط به گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت باید اموری مد نظر باشد

از جمله:

۱. آسیب شناسی دقیق میدانی نسبت به شناسایی و رفع مشکلات احتمالی روستائیان. از جمله راهکارهای اجرائی این سیاست عبارتند از؛ اعطای وام‌هایی با بهره کم، حمایت از صنایع دستی و خدمات گردشگری و ایجاد و توسعه بازارهای محلی، کمک به ایجاد اشتغال از طریق حمایت از تأسیس گارگاه‌های کوچک و زودبازده.

۲. سیاست افزایش جمعیت که به تشدید دنبال می‌شود ممکن است شکاف بین نسل‌ها را افزایش دهد بنابراین بایستی مسئولین امر به مسائلی مانند ایجاد زمینه‌های اشتغال، ازدواج، ساخت و تجهیز اماکن فرهنگی و غیره و بطور کلی فراهم آوردن رفاه نسبی توجه نمایند. اسلام در کنار رشد کمی جمعیت مسلمین به ابعاد کیفی جمعیت نیز توجه کامل دارد آنچه مورد نظر اسلام است تکثیر نسلی سالم و صالح می‌باشد.

در حوزه مربوط به راهکارهای مربوط رسانه و شبکه‌های اجتماعی باید اموری مد نظر باشد از جمله:

۱. جریان و جهت ارتباط بویژه با قشر جوان و نسل‌های جدید جامعه در جهت پائین به بالا و افقی بعنوان اصلی مهم برای گفتگوی دوجانبه است (کورولا، ۱۳۷۶: ۲۰). وقتی رابطه بصورت صدر و ذیلی باشد گفتگو میان نسل جوان و نسل‌های دیگر به نحو مطلوبی صورت نخواهد پذیرفت. رسانه ملی می‌تواند با دعوت از نخبگان نسل جدید که نماینده بخش عظیمی از نسل جوان می‌توانند باشند در یک محیطی کاملاً بی‌طرف تریبات مناظراتی را در زمینه مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی با نمایندگان نسل دوم و اول انقلاب که عمدتاً از مسئولین و دست‌اندرکاران نظام محسوب می‌شوند، فراهم سازد در این صورت گفتمان‌های متعدد فرصت و مجال بروز و ظهور را خواهند داشت و زمینه‌های لازم برای رفع انبوهی از بی‌اعتمادی‌ها، نگرانی‌ها و دغدغه‌ها فراهم خواهد گشت.

۲. از عمده‌ترین دلایل گرایش قشر عظیمی از مخاطبان بویژه جوانان به ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی، ناکارآمدی رسانه ملی و عدم برآورده ساختن انتظارات نسل جوان می‌باشد. تمرکز زدایی می‌تواند یکی از راهکارها باشد. ورود بخش خصوصی با رعایت شرایط و ضوابط در چارچوب اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌تواند زمینه ساز یک تحول اساسی بویژه در زمینه جذب بخش اعظمی از مخاطبان ریزش یافته ایفا نماید.

۳. اعتلای فرهنگی - اجتماعی: مراکز آموزش عالی سه هدف مهم دارند: آموزش دانش تخصصی، مهارت آموزی و اعتلای فرهنگی - اجتماعی. در صورت

تحقق هدف سوم یک نظارت درونی در فرد ایجاد می‌شود که کنترل‌کننده رفتارهای فردی و اجتماعی خواهد بود. دولت‌ها نمی‌توانند با ایجاد محدودیت‌ها و فیلترینگ‌ها از حضور فعال نسل جوان در شبکه‌های اجتماعی جلوگیری نمایند. چرا که ذات انسان طوری است که اگر از چیزی منع شود حرص و ولع در او بیشتر خواهد بود. خود نظارتی و کنترل از سوی خود مردم راهکار مناسب مدیریت نسل جوان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و غیره خواهد بود.

۴. ایجاد شبکه‌های ملی و بومی، ارائه آموزش در خصوص نحوه استفاده و آسیب‌های شبکه‌های مجازی به کاربران شبکه‌های مجازی در مدارس، دانشگاه‌ها و حتی مساجد با استفاده از پتانسیل نهاد روحانیت پیشنهاد دیگر می‌باشد.

راهکارهای دیگر عبارتند از:

۱. آموزش تخصصی روحانیون و مبلغان دین و ضرورت بازنگری در شیوه‌های تبلیغی نهاد روحانیت.
۲. اصلاح نظام آموزشی حوزه متناسب با شرایط و نیازهای جدید و اهتمام به آموزش‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارتباطات و اخلاق اجتماعی و مهارت آموزشی در یکی از آنها.
۳. وحدت دو مرکز مهم علمی- فرهنگی یعنی حوزه- دانشگاه و مدارس بصورت عملی جهت آشنائی طلاب و روحانیت از نیازها و دغدغه‌های نسل جوان و متقابلاً آشنائی بهتر جوانان با روحانیت و به تبع آن ارزش‌های ناب اسلامی از ضروریات است. تأسیس دبیرخانه وحدت حوزه و دانشگاه یا دبیرخانه وحدت حوزه و مدرسه متشکل از مسئولین مراکز آموزشی شهرستان در قالب کمیته‌های مختلف (بعنوان اتاق فکر) راهکار اجرایی شدن سیاست مزبور است.
۴. ایجاد ترتیبات نهادی مشارکتی: با توجه به تأکید قانون اساسی در اصول ۲۶ و ۲۷ در راستای تشکیل احزاب سیاسی در ایران وجود احزاب سیاسی یک ضرورت بوده و در صورت نهادینه شدن احزاب نه تنها نسل جوان در کنار نسل‌های دیگر در مسائل مدیریتی کشور مشارکت خواهند داشت به نوعی

این احزاب تبدیل به پل ارتباطی بین نسل جوان و مسئولین کشور شده و جوانان مطالبات و توقعات خود را در چارچوب قانون از حکومت خود مطالبه خواهند نمود و نقش فعال تری را در مدیریت ایفاء خواهند نمود.

۵. نتیجه‌گیری

جامعه ایران بعنوان یک جامعه در حال گذار به دلایلی از جمله افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی و انقلاب ارتباطات و اطلاعات با پدیده شکاف نسلی مواجه می‌باشد. تفاوت در پوشش، رفتارهای اجتماعی، معاشرت‌ها، موضع‌گیری‌های سیاسی و غیره که مشاهده می‌گردد بیانگر وجود شکاف است. لذا توجه به پدیده شکاف نسلی و پیامدهای آن و نیز برنامه ریزی و سیاست‌گذاری دقیق برای مدیریت آن لازم و ضروری می‌باشد در غیر اینصورت شکاف نسلی به گسست نسلی تبدیل شده و مسیر توسعه جامعه ایران را به مخاطره خواهد انداخت. جامعه امروز ایران بیش از هر زمان دیگر نیازمند مصنویت فرهنگی - ارزشی و بازتولید فرهنگی است.

بنابراین درک نیازهای نسل جوان، مدیریت مبتنی بر عقلانیت، مشارکت سیاسی نسل جوان، ایجاد سازو کارهای خودکنترلی، توجه همه جانبه نهاد روحانیت به دغدغه‌های نسل جوان، ایجاد رابطه تعاملی بین سه نهاد دین، دولت و خانواده، توجه به مشکلات معیشتی روستائیان و غیره از جمله راهکارهای ارائه شده در این تحقیق می‌باشد.

منابع

۱. احمدی، یعقوب و حامد، بیتا (۱۳۹۰)، سنجش وضعیت تفاوت نسل‌ها در ابژه‌های فرهنگی، اجتماعی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه) جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره ۴۲، ۲۰۸-۱۸۵.
۲. اخترشهر، علی (۱۳۸۶) مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۳. اشتریان، کیومرث (۱۳۸۹) متغیرهای استراتژیک در سیاست‌گذاری فرهنگ، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۴. ایران محبوب، جلیل و میرفردی، اصغر (۱۳۸۲)، بررسی تأثیر متقابل افزایش جمعیت و شهرنشینی در ایران (۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵)، شماره ۴۵-۴۶، ۱۰۳ تا ۱۳۶.
۵. اینگلهارت، رونالد و آبرامسون، پل آر (۱۳۷۸)، امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی، ترجمه شهناز شفیعی‌خانی، نامه پژوهش فرهنگی ۱۴ و ۱۵، ۱۰۶-۵۹.
۶. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی خانواده ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۷. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
۸. بافکار، حسین (۱۳۹۰) پدیده فرزندسالاری و رسانه، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۹. برگر، پیتر و لاکمن، توماس (۱۳۸۷) ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶)، شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷، ۴۱-۱.
۱۱. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳) دهه سوم، تخمین‌ها و تدبیرها، جلد اول، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
۱۲. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷) شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز: تحلیل‌ها، تخمین‌ها و تدبیرها، تهران: معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
۱۳. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷)، رسانه و بحران در عصر فراواقعیت- با تأکید بر بحران هویت، علوم سیاسی، شماره ۱۳، ۸۴-۵۱.
۱۴. توکلی، محمد و قاضی نژاد، مریم (۱۳۸۵)، شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، پژوهش نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷، ۱۲۴-۹۵.

۱۵. خانیکی، هادی (۱۳۸۰) گفتگو درباره انقطاع بحران نسل‌ها، هویت و چالش‌های آینده، نشانی سایت اینترنتی:
<http://farsidoc-infor.uva.es/Data/Datapool/H-5250951-800685.html>
۱۶. چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
۱۷. چیت‌ساز قمی، محمدجواد (۱۳۸۶)، بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی، جوانان و مناسبات نسلی، شماره اول، ۱۱۲-۸۵.
۱۸. ربیعی، علی (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: فرهنگ و اندیشه.
۱۹. ربیعی، علی (۱۳۸۶)، بحران‌های اجتماعی ایران امروز، جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳۱، ۵۱-۸۰.
۲۰. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: نشر کیهان.
۲۱. ساروخانی، باقر (۱۳۹۱) جامعه‌شناسی نوین ارتباطات، رسانه‌ها در جهان امروز، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۲۲. ساروخانی، باقر و صداقتی‌فر، مجتبی (۱۳۸۸)، شکاف نسلی در خانواده ایرانی: دیدگاه‌ها و بینش‌ها، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم، ۳۱-۷.
۲۳. سام‌دلیری، کاظم (۱۳۸۹)، تأثیر جهانی شدن بر دوگانگی فرهنگی، مطالعات میان فرهنگی، زمستان و بهار، سال چهارم، شماره ۱۱، ۱۰۲-۸۷.
۲۴. سگالین، مارتین (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
۲۵. شریفی، سیدعلیرضا و فاضلی، عبدالرضا (۱۳۹۱)، واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (آسیب‌ها و راهبردها)، مجلس و راهبرد، دوره ۱۹، شماره ۶۹، ۵۵-۹۰.
۲۶. صالحی امیری، سیدرضا و عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷)، «جهانی شدن و سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشگاه متین، شماره ۴۰، شماره صفحات: ۹۴-۶۹.
۲۷. صالحی امیری، سیدرضا و عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۹۴) برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، گذشته و حال، به نشانی اینترنتی:
<https://rasekhoon.net/article/print/1052257>
۲۸. صبوروی خسروشاهی، حبیب و توکلی‌نیا، نفیسه (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی، مطالعات رسانه‌ای، سال هفتم، شماره ۱۹، ۱۱۹-۱۰۹.

۲۹. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۲)، انقطاع نسل‌ها- انسداد نسل‌ها، نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها (رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاسی، تاریخ و ادبی)، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۰. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۲)، انقطاع نسل‌ها- انقلابی کامل، نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها (رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاسی، تاریخ و ادبی)، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۱. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۲)، سبک‌های تربیتی و شکاف بین نسلی، نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها (رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاسی، تاریخ و ادبی)، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۲. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۲)، ملاک‌های سیلان یا انقطاع نسل‌ها، نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها (رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاسی، تاریخ و ادبی)، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۳. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۲)، ویژگی‌ها، افکار و پیامدهای ظهور نسل سوم نخبگان در ایران، نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها (رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاسی، تاریخ و ادبی)، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۴. فتحی، سروش و مطلق، معصومه (۱۳۹۰)، جهانی شدن و فاصله نسلی: مطالعه جامعه‌شناختی فاصله نسلی با تأکید بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره ۲، شماره ۵، ۱۷۷-۱۴۵.
۳۵. فرهنگ، علی اکبر و کیانا، هانیه (۱۳۹۱)، تأثیر رسانه‌ها در تبلیغ سبک زندگی غربی با تأکید بر الگوی پوشش غربی، پاسداری فرهنگی، شماره ۸، ۵۰-۳۱.
۳۶. فوزی، یحیی (۱۳۹۳) اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، چاپ بیست و یکم.
۳۷. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.
۳۸. کاوند، رضا (۱۳۸۷)، گفتمان‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، به نشانی اینترنتی:
www.arsharekord.it/Default.aspx?Page=1989
۳۹. کوثری، مسعود (۱۳۸۷)، «نسل‌های ایکس، وی و زد و سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران»، راهبرد فرهنگ، شماره ۳، ۸۴-۶۵.

۴۰. کورلا، وارقس (۱۳۷۶)، تلویزیون و ایفای نقش مثبت در توسعه مشارکتی، ترجمه نادر داودی، رسانه، پائیز، شماره ۳، ۲۰-۱۴.
۴۱. مانهایم، کارل (۱۳۸۰)، ایدئولوژی و اتوپیا، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات سمت.
۴۲. محمدپور، سارا و آزادی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر رسانه‌های الکترونیکی (اینترنت) در ایجاد شکاف بین فرزندان والدین تهرانی، مطالعات رسانه، پائیز، سال هشتم، شماره ۲۲، ۱۱۴-۱۰۳.
۴۳. مدقق، عبدالظاهر (۱۳۸۷)، پیامدهای گسست میان نسل‌ها و راهکارهای مقابله با آن، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۴۴. مولر، پیر (۱۳۷۸)، سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
۴۵. ناظری، مهرداد (۱۳۸۷) بررسی جامعه‌شناختی گسست (شکاف) نسل‌ها، نشانی سایت اینترنتی:
[www.noormags.ir /view/fa/articlepage/39693](http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/39693)
۴۶. نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۷، بهمن و اسفند ۱۳۸۵.
۴۷. نورائی، مهرداد (۱۳۹۲)، ارتباطات رسانه‌ای، فرهنگ و هویت در فرآیند جهانی شدن، جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۳، سال چهارم، ۱۵۱-۱۳۷.
۴۸. وحید، مجید (۱۳۸۶)، بحثی درباره سیاست‌گذاری فرهنگی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره ۳، ۳۰۶-۲۷۸.
۴۹. ودادای، احمد و عباسعلی زاده، منصوره (۱۳۸۸)، هوش فرهنگی با توجه به عصر جهانی شدن، مهندسی فرهنگی، شماره ۳۴ و ۳۵، ۷۵-۶۸.
۵۰. همایون، محمدهادی و جعفری، نادر (۱۳۸۷)، درآمدی بر مفهوم و روش سیاست‌گذاری فرهنگی، اندیشه مدیریت، سال دوم، شماره ۲، ۳۶-۵.
51. Bengston, V. L. (1970) the Generation Gap: A Reviw and Typology of Social
52. Colebatch – H.K. (1998). Policy. Minneapolis: university of Minnesota press
53. D I Kertzer Generation as a Sociological Problem Vol. 9: 125-149 (Volume publication date August 1983)
54. Diepstrutan, Isabelle and Ester, Peter et al(1993) Talking about my

generation, ego and alter images of generations in the Netherlands, Journal of Social Sciences, 35, 2.

55. Mackay (1980): [www. Uoguelph.ca/ omafra.partnership / ktt / en / worktogether / resources/under](http://www.Uoguelph.ca/omafra.partnership/ktt/en/worktogether/resources/under)

56. Pal.A Leslie beyond policy analysis (public issue management in turbulent Tims (2004) fourth edition

57. Schonflug, Ute Intergenerational transmission of values, Journal of cross cultural psychology, 2001, vol. 32, No.2, 174-85.